

تحولات روابط ایران و ارمنستان پس از استقلال تا به امروز

امابگی جانیان

کارشناس مسائل ایران و خاورمیانه از ارمنستان

کشور ارمنستان استقلال واقعی را در دسامبر سال ۱۹۹۱ پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به دست آورد. هرچند استقلال خود را در ۲۱ سپتامبر همان سال بر پایه نتیجه خیره‌کننده همه‌پرسی اعلام کرد و در حال حاضر این روز به‌عنوان روز ملی ارمنستان جشن گرفته می‌شود. بدین ترتیب پس از یک وقفه ۷۰ ساله بار دیگر برای دو ملت ایرانی و ارمنی که دارای مشترکات تاریخی و فرهنگی بسیار هستند فرصتی برای برقراری مناسبات در عرصه‌های مختلف پیش آمد. در اوائل سال ۱۹۹۲، جمهوری اسلامی ایران یکی از اولین کشورهای بود که استقلال ارمنستان را به رسمیت شناخت و روابط دیپلماتیک بین دو کشور در ۸ فوریه همان سال طی سفر رسمی اولین وزیر امور خارجه ارمنستان، رافی هوانیسیان، برقرار شد. در این سفر توافقاتی در عرصه‌های مختلف بین دو کشور حاصل شد، از جمله ساختن پل موقت بر روی رودخانه ارس، احداث چنین پلی در آن مقطع زمانی بسیار سخت برای ارمنستان که در محاصره اقتصادی قرار داشت، در واقع به‌صورت شریان حیاتی کشور درآمد. توافق برای ساختن پل دائمی بعداً بین دو کشور به دست آمد که بهره‌برداری از آن با دو سال تأخیر از موعد مقرر آغاز گردید.

باید گفت که ایران نیز خواهان ایجاد روابط نزدیک با ارمنستان بود. اینکه شروع به کار سفارت جمهوری اسلامی ایران در ایروان در فوریه ۱۹۹۲ گویای همین واقعیت است. با وجود توسعه و تعمق، روابط دو کشور همسایه با پستی و بلندی‌ها و دشواری‌هایی همراه بوده و هست. به همین دلیل است که سطح مناسبات دو کشور به هیچ‌وجه با امکانات موجود در این راستا مطابقت ندارد. به عبارت دیگر از همان آغاز کار، عواملی چند تأثیری منفی بر روابط تهران-ایروان داشته و مانع گسترش همه جانبه این روابط شده‌اند:

- ۱- تأثیر نیروهای خارجی بر ارمنستان، به‌ویژه غرب، چیزی که برای کشور کوچک و در عین حال دارای وضعیت ژئوپلیتیکی و مهمی چون ارمنستان غیرقابل اجتناب است.
- ۲- مسیحی بودن ارمنستان در متن اختلافات آذربایجان و جمهوری قره‌باغ کوهستانی، مسئله‌ای که جمهوری آذربایجان و برخی کشورهای اسلامی با مطرح کردن آن از ایران می‌خواستند تا به‌طور کلی از کمک به ارمنستان خودداری کند، بلکه به نفع باکو به ایروان فشار وارد آورد. برخی نیروهای ذی‌نفع حتی از این هم فراتر رفته سعی کردند به اختلاف باکو- استپاناکرد رنگ مذهبی داده پای ایران را مستقیماً به زد و خورد بکشانند.
- ۳- فشار برخی محافل آذربایجان به دولت ایران.
- ۴- وجود نیروهای افراط‌گرای چپ و راست در سیستم حکومتی جمهوری اسلامی که نه تنها مخالف گسترش روابط ایران با ارمنستان بوده و هستند، بلکه از موقعیت ژئوپلیتیکی ارمنستان بحث می‌کردند و آن را باعث شکاف جهان اسلام می‌دانستند.^۱ این در حالی است که در واقع موقعیت جغرافیایی ارمنستان با امنیت ملی ایران کاملاً مطابقت دارد. برخی دیگر ارمنستان را متهم به توسعه‌طلبی و ایجاد «ارمنستان بزرگ»، «ارمنستان از دریا به دریا» کرده، تأکید می‌کنند که چنین ارمنستانی در نقشه بخش عمده‌ای از منطقه شمال‌غربی ایران را هم دربرمی‌گیرد. این اتهام اگر مغرضانه نباشد کاملاً بی‌پایه است.^۲

علاوه بر این، از همان آغاز، روابط ایران- آذربایجان نیز بر روابط تهران- ایروان تأثیری به‌سزا گذاشت. طی سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۲ با وجود اینکه عوامل برشمرده مانع گسترش روابط دو کشور بودند ولی دستاوردها قابل ملاحظه بود. زیرا از ژوئن ۱۹۹۲ در آذربایجان (جبهه ملی



آذربایجان) به قدرت رسید. سازمانی که در آئین‌نامه آن صریحاً قید شده که وحدت آذربایجان برای جمهوری تازه استقلال یافته امری ضروری است. ابوالفضل ایلچی‌بیگ، رئیس‌جمهوری به‌شدت ترک‌گرا و غرب‌گرا بود و موضعی به‌شدت ضد ایرانی اتخاذ کرده بود. موضعی که باعث شد تهران نسبت به ایروان سیاستی خیرخواهانه‌تر در پیش گیرد. در دسامبر همان سال یک هیئت بلندپایه سیاسی - اقتصادی به سرپرستی هوانسیان وزیر امور خارجه ارمنستان وارد تهران شد. طی این دیدار شماری موافقتنامه و تفاهم‌نامه اقتصادی و بازرگانی امضا شد که مهم‌ترین آنها احداث خط لوله گاز ایران - ارمنستان بود.

این توافقنامه در عین حال اولین گام در عرصه صدور گاز به خارج بود. ولی متأسفانه به دلایل برشمرده و برخی از عوامل سیاسی و اقتصادی دیگر که در زیر به آنها خواهیم پرداخت، اولین گام عملی در این زمینه در اول دسامبر ۲۰۰۴ یعنی پس از ۱۲ سال برداشته شد.

دوران حکومت ایلچی‌بیگ در واقع فرصت خوبی برای گسترش روابط بین ایران و ارمنستان بود. اما دولت غرب‌گرای ارمنستان نه تنها از آن برای توسعه مناسبات استفاده نکرد بلکه به دلیل نگرانی از اینکه مبدا روابط نزدیک با تهران باعث گردد تا غرب و به‌ویژه آمریکا نسبت به آذربایجان حسن روابط بیشتری نشان دهد، موضعی را اتخاذ کرد که در بهترین وجه می‌توان آن را منفعل خواند.

دولت ایلچی‌بیگ شدیداً مخالف هرگونه ابتکار و میانجی‌گری ایران در مورد حل صلح‌آمیز مناقشه قره‌باغ بود. موضعی که پیامد آن منجر به کنار گذاشتن ایران از این روند شد. موضعی که نه تنها هم‌جهت با منافع ترکیه و آمریکا بود، بلکه در آن مقطع زمانی که در روسیه دولت غرب‌گرا بر مصدر امور قرار داشت نیز ذینفع بود. در این رابطه باید افزود که آذربایجان بعداً نیز نسبت به این موضع خود پای‌بند ماند. شاهد گویای این مدعا را می‌توان جواب رد باکو به پیشنهاد آرزومانیان وزیر خارجه سابق ارمنستان در سال ۱۹۹۸ در مورد میانجی‌گری ایرانی دانست. این در حالی است که تهران بارها و بارها اعلام کرده که در صورت تمایل طرفین ایران آماده است رسالت میانجی‌گری را به‌عهده بگیرد.



ارتقاء سطح روابط دیپلماتیک ایران و ارمنستان، از کاردار به سفیر در سال ۱۹۹۴ نقطه عطفی در مناسبات دو کشور محسوب می‌شود. از سال ۱۹۹۵ سفرهای متقابل مقامات بلندپایه دو کشور به طرز چشمگیری افزایش یافت.

در اوائل سال ۱۹۹۵ نخست‌وزیر اسبق ارمنستان هراند باکراتیان در رأس یک هیئت بلندپایه از ایران دیدار کرد. در طی این سفر ۱۴ توافقنامه همکاری در عرصه‌های برق و کشاورزی و نیز مسائل گمرکی از جمله حذف مالیات مضاعف بین دو کشور امضا شد. ۱۷ مارس همان سال لئون در پتروسیان رئیس‌جمهوری اسبق ارمنستان در طی یک سفر رسمی از ایران دیدار کرد. در تهران علاوه بر مذاکرات دوجانبه با مقامات عالی‌رتبه ایران در زمینه روابط دو کشور مسائل منطقه‌ای و غیره، مذاکرات سه جانبه‌ای هم بین رؤسای جمهوری ارمنستان در پتروسیان، رئیس‌جمهور وقت ایران هاشمی رفسنجانی و رئیس‌جمهور ترکمنستان صفر مراد نیازی صورت گرفت که در طی آن در مورد همکاری‌های سه جانبه توافق حاصل شد و بعد از آن وزرای خارجه سه کشور در تهران و عشق‌آباد با هم دیدار کردند. سومین دیدار را در سپتامبر سال ۱۹۹۵ در ایروان انجام دادند و در ادامه این مذاکرات وزرای خارجه سه کشور در حدود ۱۰ گردهمایی دیگر داشتند که در طی آنها شمار زیادی توافقنامه برای همکاری در زمینه‌های اقتصادی-بازرگانی، علم و فرهنگ، به امضا رسید ولی اکثراً به دلایل عمدتاً سیاسی عملی نشدند.

علاوه بر این در همان سال اولین دیدار سه جانبه وزرای خارجه ایران، ارمنستان و یونان در آتن برگزار شد و بدین ترتیب سنت روابط سه جانبه تازه‌ای پایه‌گذاری شد. در ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۷ در آتن در گردهمایی سه جانبه وزرای خارجه سه کشور توافقی‌هایی در راستای همکاری‌های سه جانبه در عرصه‌های توریسم، ارتباطات، حمل‌ونقل، نیرو و صنایع به دست آمد. باید گفت که مذاکرات در مورد عملی کردن توافقی‌های حاصل تا سال ۲۰۰۰ فعالانه انجام می‌شد. ولی پس از ژوئن ۲۰۰۰ که با سفر وزیر دفاع یونان به تهران در زمینه همکاری‌های نظامی دو کشور توافق شد، باعث نارضایتی و خشم شدید آمریکا گردید که پیامد آن بسته شدن پرونده همکاری‌های سه جانبه ایران، ارمنستان و یونان بود.

روابط ایران و ارمنستان در قرن ۲۱

روابط دو کشور همسایه در طی سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۹۸ به دلایل مختلف سیاسی رو به سردی گزیده بود. اما بعد از سال ۲۰۰۰ مناسبات دو کشور به‌ویژه در عرصه اقتصادی رونق تازه‌ای گرفت که در سه محور اصلی انجام می‌شد:

۱- اجرای طرح‌های تولید مشترک، در این زمینه در سال ۲۰۰۱ طرفین اعلام کردند که در مورد ۱۰ طرح همکاری به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار مذاکرات ادامه دارد.

۲- گسترش روابط تجاری.

۳- همکاری اقتصادی بین استان‌های دو کشور.

با تمام این اوصاف روابط اقتصادی ایران-ارمنستان به هیچ‌وجه در سطح مطلوب نیست و با امکانات دو کشور نیز هم‌خوانی ندارد. طبق نشریه تجارت خارجی جمهوری ارمنستان در سال ۲۰۰۳ حجم روابط تجاری دو کشور در این سال ۹۲/۵ میلیون دلار بود که ۲۲/۵ میلیون دلار سهم صادرات ارمنستان و بقیه ایران بود. این در حالی است که حجم روابط تجاری تهران-باکو بیش از ۳۵۰ میلیون دلار است یعنی چیزی در حدود ۴ برابر حجم روابط ایران با ارمنستان. برای پی بردن به مشکلات همکاری‌های دو کشور بهتر است مسئله احداث خط لوله گاز ایران-ارمنستان را که یک طرح ۱۴۰ میلیون دلاری است مختصراً توصیف کنیم. طرحی که پس از حدود ۱۲ سال اولین گام در راه اجرای آن برداشته شد و قرار است تا سال ۲۰۰۷ مورد بهره‌برداری قرار گیرد. هر چند علت تأخیری عمدتاً همخوان نبودن آن با منافع سیاسی و اقتصادی قدرت‌های بزرگ بوده، ولی در عین حال عدم وجود اراده قوی در کشور نیز نقشی قابل توجه داشته است. از سوی ایروان عدم وجود چنین اراده‌ای در وهله اول با مخالفت آمریکا با این طرح توجیه می‌شود و در وهله دوم روسیه نیز به هیچ‌وجه خواهان احداث آن نبود. این موضع ایروان احتمالاً با خواست تهران نیز مطابقت داشت.

چون اولاً مسیحی بودن ارمنستان می‌توانست باعث بهره‌برداری سیاسی آذربایجان و کشورهای چون ترکیه و پاکستان شود که موضعی صددرصد آذربایجان‌گرا دارند. علاوه بر این همان‌طوری که گفته شد برخی نیروهای سیاسی در ایران هم مخالف گسترش روابط دو کشور

هستند. برای اثبات فقدان اراده لازم برای ساختن خط لوله مورد بحث می‌توان مسئله بهره‌برداری از خط لوله ایران-ترکیه در سال ۲۰۰۱ را عنوان کرد. زیرا عملی شدن این پروژه که قرارداد ساخت آن بین ترکیه و ایران در اوت ۱۹۹۶ امضا شد در واقع مرهون اراده قوی ایران بود. زیرا واشینگتن شدیداً مخالف احداث آن از زمان امضا بود و از آنکارا می‌خواست تا آن را لغو کند. از سوی دیگر با بهره‌برداری از این خط لوله، ایران در ترکیه با روسیه وارد رقابت می‌شود، کشوری که ۷۰ درصد گاز طبیعی مورد نیاز ترکیه را تأمین می‌کند. بنابراین روسیه هم نمی‌توانست با احداث این خط لوله موافق باشد. از سوی دیگر ابراز یک چنین اراده‌ای برای ساختن این خط لوله علاوه بر انگیزه‌های سیاسی با در نظر گرفتن ابعاد آن در واقع یک معادله اقتصادی مهم بود، و بالاخره برای صدور گاز ایران به اروپا راه ترکیه یک راه مناسب است. در حالی که خط لوله ایران-ارمنستان در مقایسه با خط لوله فوق از نظر اقتصادی نیز به مراتب ناچیزتر است. به همین دلیل هم ایران برای جلب رضایت روسیه می‌توانست به راحتی از آن صرف‌نظر کند. از سوی دیگر روسیه که شریک استراتژیک ارمنستان در منطقه محسوب می‌شود، انحصار نیرو در ارمنستان را در دست خود متمرکز کرده و طبیعی است که مایل نیست این انحصار را از دست بدهد که یک امتیاز بسیار مهم اقتصادی و سیاسی است، به همین جهت هم با ساختن این خط لوله مخالف بود، هر چند به‌طور علنی ابراز مخالفت نمی‌کرد. به یک کلام وجود مشکلات فوق باعث شد تا فقط ۸ سال پس از امضا قرارداد ایروان «احداث خط لوله گاز ایران-ارمنستان را یک گام بسیار مهم از لحاظ اقتصادی و استراتژیکی ارزیابی کند».^۳ سرژسرسکیان وزیر دفاع ارمنستان از ۸ تا ۹ نوامبر ۲۰۰۰ در چهارچوب یک دیدار رسمی در تهران بود. بنا به گزارش رسانه‌های غربی و ارمنستان محور اصلی مذاکرات وی با مقامات بلندپایه ایران ساختن خط لوله گاز مورد بحث بود. مطبوعات ارمنستان از جمله روزنامه‌های (هایاستانی هانراپتوتیون) و ازگ (۹ و ۱۰ نوامبر) نوشتند که مسئله به‌طور نهائی حل شده و عملیات ساختمانی از فوریه ۲۰۰۱ آغاز خواهد شد.

چنین به‌نظر می‌رسید که سرانجام این مسئله از دستور مذاکرات دوجانبه در سطوح مختلف خارج خواهد شد. ولی متأسفانه این طور نشد اما چرا در این مقطع مسئله این چنین جدی مطرح شد. تحلیلگران ارمنی و نیز غربی این اقدام ایروان را به بروز اختلاف در روابط ارمنستان-روسیه

توجیه می‌کردند و در مورد ذی‌نفع بودن ایران در این مقطع به احتمال قوی مطرح شدن مسئله واگذاری منطقه مقرّ ارمنستان (که هم‌مرز با ایران است) به آذربایجان، از سوی برخی مقامات و رسانه‌های غربی نقش مهمی ایفا می‌کردند، مسئله‌ای که ملت ارمنی به شدت با طرح آن مخالف بود و در عین حال با منافع امنیتی ایران نیز مغایرت داشت.

احداث این خط لوله برای ارمنستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چون علاوه بر گاز صادره ایران، از این راه می‌تواند از ترکمنستان نیز گاز وارد کند. این راه از نظر امنیتی بسیار کم‌خطرتر و از لحاظ اقتصادی باصرفه‌تر است. اضافه بر این گرجستان نیز می‌تواند از این خط لوله برای وارد کردن گاز از ترکمنستان استفاده کند. به عبارت دیگر این خط لوله می‌تواند انحصار صدور گاز روسیه به قفقاز جنوبی را از دست این کشور خارج سازد. به‌ویژه اینکه طبق گزارش رسانه‌های غربی، آذربایجان نیز در سال ۲۰۰۰ برای خرید گاز از ایران وارد مذاکره شده بود. رسانه‌های غربی از جمله رادیوهای BBC و RFI با اتکا به همین دلایل مخالفت روسیه با احداث خط لوله ایران-ارمنستان را توجیه می‌کردند.

از ۲۵ تا ۲۷ دسامبر ۲۰۰۱ روبرت کوچاریان، رئیس‌جمهور ارمنستان به‌منظور یک دیدار رسمی در ایران به سر می‌برد. مذاکرات وی با همتای ایرانی خود و سایر مقامات بلندپایه ایران درخصوص مسائل جهانی، منطقه‌ای و روابط دو کشور بود. این دیدار را محافل دیپلماتیک به‌عنوان نقطه عطفی در مناسبات تهران-ایروان ارزیابی کردند و این بدان معنی بود که گسترش و تحکیم روابط دو کشور از سال ۲۰۰۲ باید با سرعت بیشتری عملی می‌شد. در واقع رونق روابط در عرصه‌های مختلف قابل رؤیت بود. در ضمن محور گفتگوهای ریاست جمهوری ارمنستان در تهران باز هم خط لوله گاز بوده است.

بنا به دعوت رئیس‌جمهوری ارمنستان، حجت‌الاسلام محمد خاتمی، رئیس‌جمهور ایران از ۸-۹ سپتامبر ۲۰۰۴ از ارمنستان دیدار کرد. سفر خاتمی به ارمنستان از این جهت که اولین سفر یک رئیس‌جمهور ایران به ارمنستان بود حائز اهمیت است. در ایروان رؤسای جمهوری دو کشور توافقنامه مبانی و اصول همکاری‌های جمهوری ارمنستان و جمهوری اسلامی ایران را امضا کردند.^۴ علاوه بر این در عرصه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی مقامات مربوط دو طرف هفت

توافقنامه امضا کردند. در بیانیه مشترکی که به مناسبت دیدار آقای خاتمی منتشر شده آمده است که آقای کوچاریان سفر رئیس‌جمهور ایران را به‌عنوان مرحله جدیدی در همکاری‌های دوجانبه ارزیابی کرده است.^۵ باید اضافه کرد که برخی از سیاستمداران ارمنی سفر آقای خاتمی را سفری تاریخی نامیدند. در بیانیه مشترک همچنان تأکید شده که در مذاکرات و تبادل نظرهای ایروان مسئله احداث خط لوله گاز ایران-ارمنستان، ساختن تونل «کاجاران» و سد بر روی رودخانه ارس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. به‌عبارت دیگر طرفین، همکاری در زمینه حمل و نقل و انرژی را در اولویت قرار داده‌اند. یکی از توافقنامه‌های امضا شده در ایروان مربوط به احداث خط لوله گاز در منطقه مفری کاجاران است که هزینه‌های ساخت آن را تهران به‌عهده گرفته است.^۶

به‌رحال اکنون کارهای ساختمانی آغاز شده ولی اینکه این طرح در موعد مقرر مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت یا خیر بستگی به تأثیرگذاری عوامل مربوط دارد. همان‌طوری‌که تشبیح در روابط روسیه-گرجستان در یکی دو سال اخیر نقش مؤثری در تسریع عملیات ساختمانی آن داشته است هرچند این روند تحولات، غیرقابل پیش‌بینی نبود. بنابراین اگر مسکو در سیاست قفقاز جنوبی خود دوراندیشی لازم را به خرج می‌داد خط لوله ایران-ارمنستان تاکنون ساخته شده بود. اهمیت آن در شرایط کنونی برای روسیه غیرقابل انکار بود. به‌طوری‌که گفته شد در مذاکرات بین خاتمی و کوچاریان مسائل منطقه‌ای به‌ویژه مسئله جمهوری قره‌باغ کوهستانی نیز جایگاه مهمی داشته است. در این مورد رسانه‌های ارمنستان و برخی سیاستمداران ارمنی با ناخشنودی بار دیگر به بحث در مورد اظهارنظرهای رئیس‌جمهوری ایران پرداختند که در سفرش در تاریخ ۴ تا ۶ اوت ۲۰۰۴ به باکو در این شهر ابراز داشته بود. وی در باکو اعلام کرده بود که ایران تمامیت ارضی آذربایجان را به رسمیت می‌شناسد. باید گفت که این دیدگاه منطبق با سیاستی است که ایران از همان ابتدا اتخاذ کرده بود. با وجود این برخی از مقامات ارمنی از جمله گقام غریبجانیان، سفیر ارمنستان در ایران و آرمن رستمیان، رئیس کمیسیون مسائل خارجی در مجلس با اظهارات خود سعی کردند تا این نارضایتی را ملایم سازند.^۷ ولی واقعیت این است که سیاست ایران در این زمینه از همان ابتدا سیاستی پیچیده بود، زیرا تهران از سوئی تأکید بر تمامیت ارضی یک کشور مسلمان دارد و از سوی دیگر سعی کرده روابط مستحکم با ارمنستان برقرار



سازد. چیزی که از نظر امنیت ملی برای ایران ضروری است. به احتمال قوی همین مسئله باعث شده تا باکو هرگز نسبت به میانجی‌گری ایران در مورد مسئله قره‌باغ روی خوش نشان ندهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ اوت ۱۹۹۵.
۲. احمدی، بهرام، «تحولات قره‌باغ از آغاز تا امروز»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، بهار ۱۹۹۴.
۳. روزنامه ازگ، ۹ نوامبر ۲۰۰۰.
۴. روزنامه هایبستانی هانراپیتوتیون، ۹ سپتامبر ۲۰۰۴.
۵. همان.
۶. روزنامه ازگ، ۹ سپتامبر ۲۰۰۴.
۷. رسانه‌های ارمنستان، ۹-۸ سپتامبر.